

نابرابری، فقر، طرد اجتماعی

دکتر اکرم امیدیان
استادیار دانشگاه پیام نور



جامعه‌شناسان

سرشناسه: حمیدیان، اکرم، ۱۳۵۲-
عنوان و نام‌پدیدآور: نابرابری، فقر، طرد اجتماعی
تألیف: اکرم حمیدیان ویراستار علمی: دکتر حسن رضا یوسفوند

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان
مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۳۸۰-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: برابری

موضوع: Equality

موضوع: شریندی اجتماعی

موضوع: Social stratification

موضوع: فقر

موضوع: Poverty

موضوع: طبقه اجتماعی

موضوع: Social classes

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ / ۱ / HM

رده بندی دیویی: ۳۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۱



جامعه‌شناسان

نابرابری، فقر، طرد اجتماعی
تألیف: اکرم حمیدیان ویراستار علمی: دکتر حسن رضا یوسفوند

چاپ اول: ۱۳۹۶ تهران/ تعداد ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان/ چاپ و دیجیتال: نگین
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۳۸۰-۶
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی و ویراستاری: جامعه‌شناسان
طراح جلد: افسانه آسایش

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:

تهران، خیابان انقلاب، رویروی درب اصلی

دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک ۲۱۷

کتاب‌فروشی جامعه‌شناسان

تلفن: ۶۶۹۵۹۶۸۰، ۸۱، ۶۶۰۰۰۰۵۱

تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۶۶۲۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

WWW.JAMEESHENASAN.COM
Email: Sociologists15@gmail.com

فهرست

۱۵	مقدمه‌ای بر کتاب نابرابری، فقر، طرد اجتماعی
۲۱	مقدمه
۲۵	فصل اول: کلیات
۲۵	مقدمه
۲۷	مفاهیم بنیادی
۲۷	۱- نابرابری
۳۲	۲- ضریب جینی
۳۳	۳- عدالت
۳۶	۴- نابرابری، طرد اجتماعی و عدالت
۳۸	۵- دولت رفاه
۳۹	۶- فاصله طبقاتی
۴۱	۷- ساختار طبقاتی در ایران
۴۳	۸- فقر
۵۳	۹- توسعه
۶۳	۱۰- دموکراسی
۶۵	۱۱- مشارکت
۶۷	۱۲- قدرت
۶۸	۱۳- طرد اجتماعی
۷۴	۱۴- ادغام (شمول)
۷۶	۱۵- سایر مفاهیم مرتبط با طرد اجتماعی و ادغام اجتماعی
۷۹	۱۶- جهانی شدن

۸۲	فصل دوم: نظریه‌های نابرابری
۸۲	مقدمه
۸۶	تبیین نابرابری
۸۹	استثمار یا تبعیض؟
۹۲	رویکردهای تبیین نابرابری اجتماعی
۹۲	الف: رویکرد کارکردی
۹۵	پارسونز
۹۷	کینگ، دیوید و ویلبرت مور
۹۸	ب: رویکرد تضاد
۹۹	۱- نظریه تضادی اقتصاد محور (نابرابری اقتصادی)
۱۰۰	کوزنتس
۱۰۰	مارکس
۱۰۲	اولین رایت
۱۰۳	ویلن
۱۰۵	وسترگارد و رسلر
۱۰۶	۲- نظریه‌های نابرابری اجتماعی
۱۰۶	کالینز
۱۰۹	نوربرت الیاس
۱۱۰	چارلز تیلی
۱۱۱	دورکیم
۱۱۳	ویر
۱۱۵	دارندورف
۱۱۸	پتر بلاو
۱۱۸	پارکین
۱۲۱	لوئیس کوزر
۱۲۴	گرهارد لنسکی

فهرست ۹

۱۲۵	واگنر
۱۲۷	نیکوس پولانزاس
۱۲۸	سی رایت میلز
۱۳۲	گیدنز
۱۳۴	بوردیو
۱۴۳	نابری‌های اجتماعی و علل آن
۱۴۴	عدالت و برابری
۱۴۷	روس
۱۴۷	جان رالز
۱۴۹	رابرت نوزیک
۱۵۰	فریدریش هایک
۱۵۲	مایکل اوکشات
۱۵۲	بحث پایانی
۱۵۷	فصل سوم: نظریه‌های فقر
۱۵۷	مقدمه
۱۵۸	نظریه‌های فقر
۱۵۹	۱- نظریه‌های فرد محور با تبیین فردگرایانه
۱۶۲	۲- نظریه‌های ساختار محور
۱۶۵	۳- نظریه‌های فرهنگی با رویکرد موقعیتی- روان‌شناختی
۱۷۰	۴- نظریه‌های جغرافیا محور با رویکرد فضایی
۱۷۴	۵- نظریه طرد اجتماعی
۱۷۸	۶- نظریه چرخه محرومیت با رویکرد ترکیبی
۱۸۴	۷- نظریه‌های اقتصاد محور فقر
۱۸۹	فقر در بعد جهانی
۱۹۱	ویژگی‌های فقر

عوامل مؤثر بر فقر.....	۱۹۴
عوامل ساختاری مؤثر بر فقر.....	۱۹۴
۱- برنامه‌های نهادی دولت.....	۱۹۴
۲- اقتصاد.....	۱۹۴
۳- خانواده.....	۱۹۵
۴- محیط اجتماعی، سرمایه اجتماعی و همسایگی.....	۱۹۷
۵- آموزش.....	۱۹۸
۶- جمعیت.....	۱۹۹
۷- نژاد، گرای.....	۲۰۱
۸- رسانه.....	۲۰۱
عوامل روانشناسی -۱- عاملی مؤثر بر فقر.....	۲۰۲
پیامدهای فقر.....	۲۰۳
فقر زنان کودکان سالمندان.....	۲۰۴
استراتژی‌های فقرا.....	۲۰۶
سیاست‌های مبارزه با فقر.....	۲۰۸
اصول سیاست‌های فقرزدایی رویکرد رفاه اجتماعی.....	۲۱۰
اصول سیاست‌های فقرزدایی توسعه اجتماعی.....	۲۱۲
روش‌های فقرزدایی.....	۲۱۵
فصل چهارم: طرد اجتماعی.....	۲۱۹
مقدمه.....	۲۱۹
تعریف طرد اجتماعی.....	۲۲۱
عناصر طرد اجتماعی.....	۲۲۶
دلالت‌های طرد اجتماعی.....	۲۳۱
عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی.....	۲۳۴
عوامل اقتصادی مؤثر بر طرد اجتماعی.....	۲۳۵

۲۳۹	عوامل اجتماعی مؤثر بر طرد اجتماعی
۲۳۹	جمعیت
۲۴۰	مهاجرت
۲۴۲	آموزش
۲۴۳	سلامت
۲۴۴	محیط زندگی
۲۴۵	سرما، اجتماعی
۲۴۶	حمل و نقل
۲۴۶	سیاست گذار
۲۵۰	برنامه‌های پژوهش و طرد اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی
۲۵۰	۱- عوامل نهادی نابرابری
۲۶۵	۲- موقعیت‌های فضایی - اجتماعی
۲۷۱	۳- سیستم تولید و سیاست
۲۷۵	۴- عوامل فرهنگی
۲۷۹	۵- عاملیت
۲۸۰	جمع‌بندی
۲۸۵	فصل پنجم: نابرابری، فقر، طرد اجتماعی
۲۹۳	نمونه‌هایی از مطالعه‌های نابرابری، فقر و طرد اجتماعی در ایران
۲۹۲	۱- طرد اجتماعی مهاجران در کلان‌شهر اصفهان
۳۰۰	۲- بر ساخت طرد اجتماعی در شهر خرم‌آباد
۳۰۷	۳- فقر، نابرابری، طبقه متوسط در ایران
۳۲۷	منابع
۳۴۱	واژه‌نامه
۳۴۱	اسامی خاص

۳۴۵	واژگان و اصطلاحات خاص
۳۵۱	عبارات
۳۵۳	نمایه
۳۵۳	موضوعی
۳۶۰	اسمی

فهرست جداول، شکل و نمودار

۳۳	شکل شماره ۱: منحنی هویت
۴۵	جدول شماره ۱: بسیمیت برخط فقر به تفکیک منطقه
۶۳	جدول شماره ۲: نوع سیستم سیاسی کشورها برحسب منطقه
۷۲	جدول شماره ۳: مقایسه فقر، محرومیت و طرد اجتماعی
۹۰	جدول شماره ۴: مقایسه استثمار و تبعیض
۱۲۲	مدل شماره ۱: سنخ شناسی کوزر
۲۰۹	جدول شماره ۵: مقایسه رویکرد رفاه اجتماعی با رویکرد توسعه اجتماعی
.....	جدول شماره ۶: مقایسه شیوه‌های فقرزدایی رویکرد رفاه اجتماعی با رویکرد توسعه اجتماعی
۲۱۶	اجتماعی
۲۲۵	جدول شماره ۷: تعریف‌های ارائه‌شده از طرد اجتماعی
۲۵۳	جدول ۸: رابطه حقوق و مشارکت در سیستم‌های یکپارچگی جامعه
۲۵۴	شکل شماره ۲: نهادها، دسترسی و طرد (کایپر، ۲۰۰۰: ۸۷)
۲۵۷	شکل شماره ۳: گروه‌ها، دسترسی و طرد (کایپر، ۲۰۰۰: ۹۰)
.....	مدل ۲: مدل نظری پیوند نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی و موقعیت طبقات
۲۹۰	اجتماعی

- شکل شماره ۴: جایگاه گروه‌ها در ساختار طبقاتی شهر اصفهان ۲۹۷
- نمودار شماره ۱: رابطه بین نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و طرد اجتماعی ۲۹۸
- جدول شماره ۹: ابعاد و مؤلفه‌های مفهوم طرد اجتماعی ۳۰۴
- مدل شماره ۳: مدل نهایی تبیین طرد اجتماعی ۳۰۶
- جدول شماره ۱۰: شاخص‌های بین‌المللی فقر در ایران در طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۶۶ ۳۱۶
- (بروزها: اول تا چهارم توسعه) ۳۱۴
- جدول شماره ۱۱: مقایسه تولید ناخالص داخلی با تولید ناخالص داخلی بر کل شاغلین و شاخص درآمد ناخالص ملی ۳۱۶
- جدول شماره ۱۲: فقر نسبی در ایران ۳۲۱

مقدمه‌ای بر کتاب نابرابری، فقر، طرد اجتماعی

این پدیده مساله‌ساز نابرابری که در همه دوره‌های تاریخی زندگی اجتماعی بشر پایه‌عاملی بحران‌آفرین حضور داشته و خود را بر کنشگری اجتماعی تأثیر عمیق گذاشته است؟

نابرابری نظریه‌ای پدیده‌های دو وجهی^۱ دیگر بر پایه مفهوم متضادش یعنی برابری شناخته می‌شود. ما بین دو مفهوم «برابری» و «نابرابری» کدام شناساننده‌تراند؟ برای فهم مقوله دوگانه «برابری - نابرابری» کدام یک را باید بمثابة پایه و معرف در نظر گرفت؟ آیا اگر گوئیم «نابرابری یعنی این که برابری‌ای در کار نیست» منظور برابری چیست؟ می‌شود یا وقتی که می‌گوئیم «برابری دلالت بر فقدان نابرابری دارد»؟ ما برحسب تجربه زیسته‌مان و به اعتبار میراث فرهنگی‌مان برابری را بهتر درک و فهم و محسوس می‌کنیم یا نابرابری را؟ به نظر می‌رسد که بشر هیچ تجسم و تصور واقعی در پیرامون غیرآرمان‌گرایانه‌ای از وضعیت برابری ندارد. نابرابری از بدو پیدایش جوامع انسانی (دارای خط) تاکنون، همیشه مورد توجه مصلحان و متفکران اجتماعی بوده است. شواهد فراوانی در دست است که ادیان و آرمان‌های اخلاقی و سیاسی همگی جهانگیری کمر همت به محو آن بسته بوده‌اند اما این خواست ایجاب برابری همیشه آرمانشهری و دست نیافتنی باقی مانده و نابرابری‌ها به شکل‌های متفاوت اما با مضمونی واحد موفق به باز تولید خود شده‌اند.

نابرابری از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است و این پیچیدگی بیش از هر چیز ناشی از دیرینه بودن و عالم‌گیر بودن آن است. این گسترده بودن در

^۱ Dichotomic

فراختای زمان، یعنی حضور همیشگی در تاریخ اجتماعی بشر، و وسعت داشتن در جغرافیای جهان یعنی عینیت و وجود ملموس داشتن در همه جوامع و مکان‌ها، موجب پدید آمدن شکل‌های بسیار متفاوتی از نابرابری شده است: نابرابری‌های سنی، نابرابری‌های جنسیتی، نابرابری‌های در آمدی، نابرابری در ثروت و دارایی، نابرابری در دانش، نابرابری در زیبایی و زندگی، نابرابری در مهارت، نابرابری در هوش، نابرابری در قد و وزن، نابرابری در سلامت جسمانی، نابرابری در برخورداری از نعم مادی، نابرابری در ظرفیت سرزده‌ی و معنوی و از همه مهم‌تر نابرابری در قدرت.

از بین همه انواع نابرابری‌هایی که در جوامع انسانی می‌توان تشخیص داد، ریشه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها، یعنی نوعی از نابرابری که می‌تواند موجب بروز بسیاری از بقیه انواع نابرابری‌ها شود، نابرابری در قدرت است. این‌ت‌نوع نابرابری در هم‌بندی س‌ل‌وح خرد و میانی و کلان، یعنی هم در سطح فردی و هم در سطح گروه‌ها و سط‌ح اجتماعات قابل مشاهده است.

گو آنکه فقر و توزیع نابرابر ثروت، که از نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها ناشی می‌شود، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز بیشتر نابسامانی‌ها از بی‌هنجاری اجتماعی و انحراف و خشونت به سازمانی و ناپایداری گرفته تا جنگ‌ها و انقلاب‌ها و خونریزی‌های گسترده بوده است، اما این نابرابری در قدرت است که با زمینه‌سازی انسداد و طرد اجتماعی زندگی را به کام همه کسانی که از قدرت بهره‌ای نبرده‌اند تلخ کرده و بسیاری از آنان را به شکل بنده و برده و رعیت و زحمت‌کش و رنجبر مرکب راکبان در پهنای ساخته و محرومیتی بادوام را به آنان تحمیل کرده است. محرومیتی که رمغان آن در سطح فردی چیزی بجز رنج و گرسنگی و حسرت و ناامنی پایدار و در سطح گروه‌ها بجز تعارض و تضاد دائمی و در سطح اجتماعات بجز خشونت و خونریزی و جنگ، که سراسر تاریخ آکنده از آن است، نیست.

یکی از کلی‌ترین صورت‌بندی‌هایی که از مفهوم نابرابری می‌توان به دست داد تقسیم آن به دو دسته ساخت‌یافته و ساخت‌نیافته است. نابرابری‌های

ساخت‌نیافته عارضی، ناپایدار و ناشی از تعارض‌های آستی‌پذیراند. در حالیکه، نابرابری‌های ساخت‌یافته سرشتی بالنسبه پایدار دارند و ناشی از تضادهای آستی‌ناپذیراند. نابرابری در قدرت یکی از مهم‌ترین شکل‌های نابرابری ساخت‌یافته است. این نابرابری مثل همه‌ی نابرابری‌های دیگر یا آشکار است یا نهان؛ و وقتی نهان باشد، آثار اجتماعی زیانبار بیش‌تری باقی می‌گذارد. نابرابری‌های نهان منشأ بروز تزویر و ریا و فساد و انواع آسیب‌های فردی و سازمان‌یافته‌ی گروهی اند. اما نابرابری در قدرت وقتی آشکار باشد، بهار پدیدار است. نابرابری در قدرتی که در قلمرو مدرنیته و در جوامع مدرن یک توسعه‌یافته می‌توان دید از این دسته‌اند. حوزه عمومی قوی، جوامع مدرن، مدنی‌ت‌مند و فرایند توانمندسازی شهروندان عوامل تعیین‌کننده‌ای هستند که نابرابری قدرت آشکاری را که در این جوامع وجود دارد مهار می‌کنند و آثار زیانبار آن را تا سطوحی که برای عامه مردم و خواص قابل تحمل باشد، پایین می‌آورند.

بحث دیگر در خصوص نابرابری، باط آن با مدنیت است. نابرابری یکی از کهن‌ترین، پایدارترین و آسیب‌زاترین - بشرهایی است که بشر از آغاز مدنیت تاکنون با آن دست به گریبان بوده است چنان‌که می‌توان ادعا کرد که تاریخ برابری تاریخ بربریت است و مدنیت با برابری آغاز شده است. اما آیا از این تعین تاریخی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هر چه نابرابری شدیدتر پس مدنیت هم بیش‌تر؟ یا به سخن دیگر آیا می‌توان ادعا کرد که با پیشرفت و تکامل جوامع بشری نابرابری‌ها هم شدیدتر و عمیق‌تر شده‌اند؟ یقیناً نه. شواهد فراوانی هست که نافی این استنتاج ساده و نامعتبر است چندان‌که شاید بتوان این رابطه را از پارادوکس‌های ذاتی موجود میان نابرابری و مدنیت دانست. شکی نیست که در یک رابطه‌ی اجتماعی هرگز بی‌حضور قدرت هیچ تفاوت و تمایزی به عامل کسب امتیاز برای یک طرف بدل نخواهد شد و از سوی دیگر هیچ نابرابری‌ای اگر توسط نظام سلسله مراتب اجتماعی تقویت و تحکیم نشود برقرار و پایدار نخواهد ماند.

روابط بین این سه پدیده‌ی اجتماعی یعنی قدرت، نابرابری و سلسله مراتب اجتماعی بسیار شگفت انگیز و اغلب گیج کننده است. قدرت به نابرابری منجر می‌شود و نابرابری به پشتوانه قدرت موجد ظهور سلسله مراتب اجتماعی می‌شود و این سلسله مراتب به نوبه‌ی خود نظام قدرت و از آن طریق نابرابری را تقویت و تحکیم می‌کند.

ملاحظات اصلی این رابطه ساختاری مثلثی «طرد اجتماعی» است. طرد را باید پویای جلوگیری از ورود کامل یا جزیی به هرگونه نظام جامعه‌ایاست از خود راندن اجتماعی گرفته تا مشارکت در اقتصاد و سیاست و فرهنگ. آنان که به حد قدرت در راس سلسله مراتب اجتماعی اند امتیازات خاصی برای خود قائل می‌شوند و با ترفندهای هنجارمندسازی و نامرئی کردن و طبیعی جلوه دادن امتیازات، نظام سلسله مراتب اجتماعی را بازتولید کرده و زمینه را برای ادامه سلطه و اجامی نخبگان حاکم فراهم می‌کنند. از این رو درک درست ترکیب این قدرت برای فهم ابعاد ساختاری روابط اجتماعی نابرابر و بررسی پیامدها و آثار آن در زندگی اجتماعی گروه‌های طرد شده بسیار اساسی است.

اکرم حمیدیان از معدود پژوهشگرانی است که کوشیده‌اند از منظری جامعه‌شناسانه به رابطه میان نابرابری، طرد اجتماعی و فقر بپردازند و جلوه‌ها و پیامدهای آن را در زندگی گروه‌های اجتماعی طرد شده مورد توجه قرار دهند. کتاب حاضر حاصل یک پژوهش دانش‌خواه است که بخشی از آن در قالب رساله دکتری انجام شده است.

حمیدیان خود کمبود منابع فارسی در باره طرد اجتماعی و به ویژه کم توجهی پژوهشی به علل جامعه‌شناختی پیدایش این پدیده را مهم‌ترین انگیزه برای به دست چاپ سپردن این اثر می‌داند و امیدوار است که خوانندگان با مطالعه این اثر فراتر از متنی صرفاً توصیفی درباره فقر و نابرابری و طرد، با تحلیل جامعه‌شناسانه این پدیده‌های اجتماعی و علل ساختاری بروز و ظهور آن نیز آشنا شوند.

در کتاب علاوه بر تعریف مفاهیم شالوده‌ای نابرابری، فقر و طرد اجتماعی به مفاهیم مرتبط و نزدیک آن از قبیل ادغام اجتماعی، ساختار طبقاتی جامعه، فاصله طبقاتی، کیفیت زندگی، شاخص فلاکت، مشارکت و قدرت نیز پرداخته شده است. در فصول محوری کتاب نظریه‌های مرتبط با مفاهیم پایه‌ای نابرابری و طرد مورد بحث و بررسی قرار گرفته و کوشش شده است که با بهره‌گیری از کارآمدترین نظریه‌ها دلایل ظهور این پدیده‌ها و به نیزه پدیده طرد اجتماعی تبیین شود.

پیام اصلی کتاب تنم زمانی طرد و نابرابری‌های اجتماعی بر نابرابری‌های اقتصادی است. نویسنده به رابطه‌ای یکسویه از جانب نابرابری اجتماعی به نابرابری اقتصادی اشاره می‌کند. ایده اصلی مطرح شده در این کتاب آن است که نابرابری‌های اجتماعی رافته‌اندی که آنکه در پی فقر و طرد اجتماعی گسترش بیش‌تری می‌یابند اما در اصل این نابرابری و طرد اجتماعی است که خاستگاه بروز نابرابری اقتصادی و فقراند.

در کتاب همچنین رویکرد صاحب نظران کارکردگرا و تضادگرا به نابرابری‌ها و طرد اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بحث قرار گرفته و کوشش شده که از خلال این رویکردهای متعارض، از دیدگاهی تلفیقی به مساله عدالت اجتماعی نیز پرداخته شود. سیاست‌های مرتبط با فقرزدایی خصوصاً در رویکردهای رفاه‌گرا و توسعه‌گرا مورد مقایسه و ارزیابی قرار گیرند.

بحث نابرابری و فقر و طرد اجتماعی از مباحث پیچیده و پر مناقشه جامعه‌شناسی است و درک و فهم عمیق آن به کار مداوم و پیکیری و ممارست‌های پژوهشی و مطالعاتی بی‌وقفه نیاز دارد؛ برای این پژوهشگر با پشتکار تداوم تفکر و تحقیق در این حوزه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی را آرزو می‌کنم و امیدوارم که خوانندگان علاقمند، از این پژوهش که سعی مجذانه‌ای برای انجام آن صرف شده، بهره کافی و وافى ببرند.